

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 34, Spring & Summer 2024

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صص ۱۰۵-۱۲۱ (مقاله پژوهشی)

بازخوانی و ارزیابی روایات «من کذب علی متعمدا...» از منظر محمود ابوریه

محمدتقی دیاری بیدگلی^۱، محمداله مرادی قویدلان^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱)

چکیده

محمود ابوریه از منتقدان حدیث، در کتاب اضواء علی السنه المحمدیه، متأثر از دیدگاه خود، درباره نقل به معنای روایات و عدالت صحابه، قید «متعمدا» در روایت «من کذب علی متعمدا» را به شدت مورد انکار قرار داده است؛ او معتقد است، این قید از طریق جعل جاعلان یا درج راویان، وارد حدیث شده است، چون این قید، با عقل بشری و همچنین خلق و خوی پیامبر اسلام ﷺ سازگاری ندارد؛ در این مقاله، با بررسی و ارزیابی دقیق ادعای ایشان، اثبات شده است که شواهد او، ناتوان از اثبات مدعایش است و این قید، نه تنها از طریق جعل یا درج وارد روایات نشده است، بلکه قید «متعمدا» به طور متواتر از صحابه جلیل القدر پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است؛ بنابراین، این قید، مورد تأیید قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ است و هیچ محذور عقلی نیز ندارد.

کلید واژه‌ها: محمود ابوریه، حدیث موضوع، حدیث مدرج، تعد کذب، من کذب علی متعمدا، اضواء علی السنه المحمدیه، منع حدیث.

mt_diari@yahoo.com

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران،

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)،

Ghavidelan66@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

محمود ابوریه، یکی از چهره‌های شاخص جریان منتقدان حدیث جهان اهل تسنن و از دانشمندان برجسته و نواندیش اثرگذار بر حدیث پژوهان معاصر بوده است؛ آثار او همچنان منبع الهام برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به علم حدیث و تاریخ اسلام محسوب می‌شود؛ برخی از نقدهای عمیق و تحلیل‌های دقیق او در بین اندیشمندان اسلامی مناقشات زیادی به پا کرده است. ایشان دارای دو کتاب مهم و مشهور به نام «اضواء علی السنّه المحمدیه» و «ابوهریره شیخ المضیره» می‌باشد که عمده نظریات خاص و بدیع خود را در این دو کتاب مطرح کرده است. وی در کتاب اضواء علی السنّه المحمدیه، ماحصل مطالعات و اندیشه خود را چنین بیان کرده است: عمده مصائب و مشکلات اسلام به خاطر دو چیز است: اعتقاد به عدالت همه صحابه و اعتماد ساده‌لوحانه به مجموعه احادیثی که صحیح و غیر صحیح در آن‌ها گردآوری شده است. (ابوریه، ۳۴۰)

ابوریه متأثر از دیدگاه خود درباره نقل به معنای روایات و عدالت صحابه، قید «متعمدا» در روایت من کذب علی متعمدا را مورد انکار شدید قرار داده است؛ او ادعا می‌کند، این قید از طریق جعل جاعلان حدیث یا درج راویان برای رفع پیامدهای شرعی خطا یا سوء فهم راویان، وارد روایت شده است، چون این قید، با عقل انسان و خلق و خوی پیامبر اسلام ﷺ سازگاری ندارد.

۲- پیشینه تحقیق

دیدگاه‌های ابوریه از سوی بسیاری از حدیث پژوهان، مورد نقض و ابرام قرار گرفته است؛ در نقد برخی دیدگاه‌های او، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است.

۱- مقاله «تأملی در حدیث نبوی «من کذب علی متعمدا» اثر حسن نقی‌زاده که در

سال ۱۳۸۷، شماره پیاپی ۸۱/۳ در مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث انتشار یافته است. در این مقاله، روایت مذکور، از جهت دلالتی و سندی مورد بررسی قرار گرفته، همچنین مناقشات برخی مستشرقان و حدیث پژوهان معاصر پیرامون جعل یا مُدرَج بودن حدیث مذکور مورد نقد و واکاوی قرار گرفته است و با نفی مناقشات پیرامون آن، اعتبار حدیث مزبور را نتیجه گرفته است.

۲- مقاله «حجیت سنت از دیدگاه ابوریه» اثر محمد ابراهیم ضمیر روشن که در سال ۱۳۹۱، شماره ۷ در مجله حدیث پژوهی منتشر شده است. در این مقاله اعتبار سنت از دیدگاه ابوریه، مورد نقد و بررسی قرار گرفته و لازمه قبول برخی دیدگاه‌های او، انکار حجیت سنت، تزلزل بنیان آن و قرآن بسندگی دانسته شده است.

۳- مقاله «بررسی مبانی فکری و آراء ابوریه در زمینه حدیث» اثر اختر سلطانی در سال ۱۳۹۶، شماره ۲۷ در مجله پژوهش‌های اعتقادی نشر یافته است. در این مقاله مبانی فکری ابوریه به عنوان یکی از چهره‌های شاخص جریان منتقدان حدیث اهل سنت، در مواجهه با حدیث تبیین و مورد تحلیل گرفته، برخی از آراء ایشان که با مسلمات کلامی و روایی ناسازگار است؛ مانند بحث تفکیک میان سنت گفتاری و رفتاری، تعیین حدود برای عصمت پیامبر ﷺ، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۴- پایان‌نامه «نقد و تحلیل بخش السنه کتاب اضواء علی السنه المحمدیه» از محمد رشید شیخ احمد با راهنمایی زهرا کاشانی‌ها در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی منتشر شده است. در این پایان‌نامه، بخش سنت کتاب «اضواء علی السنه المحمدیه» ابوریه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و برخی مبانی ایشان در مورد سنت پیامبر اسلام ﷺ، مثل عدم عصمت ایشان در امور دنیایی و محدودیت آن به وحی و امور اخروی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۵- پایان‌نامه «تبیین و تطبیق مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب اضواء علی السنه المحمدیه و الانوار الکاشفه» از سید محمد اخوان بهابادی با راهنمایی محمدکاظم رحمان

ستایش در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه قم انتشار یافته است؛ در این پایان‌نامه به بررسی و تبیین مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب «أضواء علی السنه المحمدیه» و «الانوار الکاشفه» پرداخته شده است. بنابر این تحقیق، معلمی نقد قابل توجهی به مبانی روش فهم حدیث ابوریه ندارد اما دیدگاه‌های وی را در مورد مبانی نقد حدیث به نقد کشیده است. بیشترین نقد معلمی در مورد معیارهای قرآن سنت قطعی و عقل است و مثال‌هایی را در عدم مخالفت و یا تعارض با ادله قطعی و شرعی می‌آورد. همچنین کتب متعددی نیز پیرامون حدیث مذکور و ادعاهای ابوریه پیرامون آن، نوشته شده است.

الف. طبرانی در کتابچه‌ای با عنوان «طرق حدیث من کذب علی متعمدا للطبرانی»، سلسله اسناد و نسخه‌های متعدد این حدیث را به رشته تحریر درآورده است.

ب. عبدالرحمن معلمی در کتاب «الانوار الکاشفه»، کاملترین اثر را در نقد اندیشه‌های ابوریه ارائه داده است. ایشان نقد قابل توجهی به مبانی روش فهم حدیث ابوریه ندارد اما دیدگاه‌های وی را در مورد مبانی نقد حدیث به نقد کشیده است. بیشترین نقد معلمی در مورد معیارهای قرآن سنت قطعی و عقل است.

ج. محمد ابوشهبه در کتاب «دفاع عن السنه»، ابتدا به بیان جایگاه سنت در دین اسلام پرداخته، سپس نقدی کلی بر کتاب «أضواء علی السنه المحمدیه» ابوریه وارد کرده، سپس به نقد تفصیلی آراء مناقشه برانگیز او از جمله عصمت پیامبر ﷺ متواتر و حدیث من کذب علی متعمدا پرداخته است.

د. محمد عبدالرزاق حمزه در کتاب «ظلمات ابی ریه امام أضواء السنه المحمدیه» نقدهای متعددی بر آرای ابوریه وارد کرده است؛ از جمله مطالبی که ابوریه پیرامون حدیث من کذب علی متعمدا، بیان کرده است.

ه. مصطفی سباعی در کتاب «السنه و مکانتها فی التشريع الاسلامی»، به نقد و بررسی اشکالات مستشرقین و برخی معاصرین مسلمان مثل ابوریه درباره حجیت و اعتبار سنت به

عنوان دومین منبع شریعت اسلام، پرداخته است.

تحقیق حاضر با گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها و با روش توصیفی، تحلیلی با واکاوی و ارزیابی دقیق و جامع ادعاهای ابوریه پیرامون قید «متعمداً» در حدیث من کذب علی، پرده از صحت و سقم ادعاهای او برداشته است؛ در تحقیقات پیشین، برخی به مسأله مذکور ورود پیدا نکردند و برخی دیگر به صورت گذرا بررسی کردند و از دقت و جامعیت لازم برخوردار نیستند.

۳- دیدگاه ابوریه پیرامون حدیث من کذب علی متعمدا

ابوریه در کتاب اضواء علی السنّه المحمديه می‌نویسد: وقتی حدیث «من کذب علی متعمداً» را خواندم، وحشت سراسر وجودم را فرا گرفت چون امکان نداشت از پیامبر اسلامی که همه را دعوت به صدق و راستی می‌کند، قید «متعمداً» صادر شده باشد، چون کذب، خبر دادن برخلاف واقع است، چه از روی عمد باشد یا سهو (ابوریه، ص ۱۹).

همچنین عدم ذکر این قید در روایات صحیحه از صحابی جلیل‌القدر، به ویژه خلفای سه‌گانه دلالت می‌کند که در اصل حدیث صادر شده از نبی اکرم ﷺ، قید «متعمداً»، مذکور نبوده است و بعد از صدور اصل حدیث، بدان اضافه شده است. هیچ صاحب عقلی، نمی‌پذیرد که این قید، از پیامبر اسلام ﷺ صادر شده باشد، چون مخالف با عقل و خرد بشری و خلق و خوی رسول مکرم اسلام ﷺ است، به این علت که در صدق «کذب»، صرف خبر دادن برخلاف واقع کفایت می‌کند و فرقی بین عمدی و سهوی بودن آن، نیست. بنابراین، احتمال دارد قید «متعمداً» از طریق جعل جاعلان حدیث، وارد روایت شده باشد. افراد ساده لوح و ظاهر اصلاحی که اعتقاد داشتند جعل حدیث، حربه و برای خشنودی خدا اشکالی ندارد، می‌گفتند: ما به ضرر پیامبر ﷺ دروغ نمی‌گوییم بلکه به نفع او، جعل حدیث می‌کنیم.

احتمال دیگر در این قید، درج از طریق راویان حدیث است که برای رفع گناه خطا یا سوء فهم خود بدان تکیه می‌کردند (همان، ۶۰).

۳-۱. بهترین دلیل بر مدعا

ابوریه معتقد است، بهترین دلیل نقلی بر اصالت نداشتن قید «متعمدا»، روایت زبیر بن عوام است. در روایت مورد اشاره، از زبیر، علت کمی نقل روایت از پیامبر اسلام ﷺ را جویا می‌شوند با اینکه زبیر، مدت زیادی همنشین پیامبر بوده و نسبت خویشاوندی با حضرتش داشته است، زبیر در جواب، علت کمی نقل حدیث از حضرت رسول را، حدیث من کذب علی (بدون قید متعمداً) ذکر می‌کند، و در برخی طرق این روایت، در ادامه حدیث، جمله «والله ما قال متعمدا و انتم تقولون متعمداً» ذکر شده است که صراحتاً بر عدم وجود قید «متعمدا» در اصل روایت نبوی دلالت می‌کند (همان، ۶۱).

ابن حجر در شرح حدیث مذکور، معتقد است: تمسک زبیر به این حدیث در کمی نقل حدیث از پیامبر، بهترین دلیل بر این مطلب است که دروغ، خبر دادن بر خلاف واقع است و تعمّد در آن مدخلیتی ندارد، اگرچه مخطئ به اجماع علما، گناهکار نیست ولی کثرت نقل حدیث، راوی را در مظانّ خطا و اشتباه قرار می‌دهد (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱/۱).

۴- نقد و بررسی

در این بخش هر یک از ادعاهای ابوریه در مورد قید «متعمداً» در حدیث من کذب علی متعمدا، مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. روایات خلفای ثلاثه سه‌گانه

ترجیح روایات منقول از صحابی جلیل‌القدر در موارد تعارض در جای خود مطلبی درستی است، و ممکن است بخاطر ویژگی ممتاز یک صحابه، روایتی را بر روایات دیگر ترجیح دهیم ولی به صورت مطلق، نمی‌توان چنین حرفی زد. در روایات متعارض، بدون دلیل نمی‌توان روایتی را بر روایت دیگر ترجیح داد، در غیر این صورت ترجیح بلامرّجح پیش می‌آید (معلمی، ۹۲).

قابل توجه است که در اغلب روایات صحیحین و کتب معتبر حدیثی اهل سنت، این حدیث همراه با قید «متعمدا» ذکر شده است. (بخاری، ۳۳/۱؛ قشیری نیشابوری، ۹/۱؛ ابن ماجه، ۲۱/۱؛ ابن حنبل، ۲۰۰/۱۹؛ دارمی، ۳۰۳/۱؛ طیالسی، ۱۹۷/۱؛ ابن وهب، ۱۰۸/۱؛ ترمذی، ۳۵/۵؛ ابن راهویه، ۲۹۰/۱؛ بزاز، ۱۸۶/۳)

دانشمندان علوم اسلامی و محدثان آگاه، در هنگام تعارض بین روایات، حدیثی که طرق آن، اکثر و اقوی است را ترجیح داده و مطلق را حمل بر مقید می‌کنند. طبق قاعده «من حفظ حجة علی من لم یحفظ»، مثبت بر نافی مقدم است. (ابوشهبه، ۵۲؛ البانی، ۲۶)

۴-۲. منافات با عقل و خلق و خوی پیامبر

مخالفت قید «متعمدا» با خرد انسانی و خلق و خوی پیامبر گرامی اسلام، ادعایی فاقد دلیل معتبر است.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم در آیات متعدد، دروغ بر خود را با تعبیر «افتراء الکذب» بیان کرده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (نک: الانعام، ۲۱ و ۹۳؛ العنکبوت، ۶۸؛ هود، ۱۸؛ صف، ۷؛ یونس، ۱۷؛ الکهف، ۱۵؛ الاعراف، ۳۷؛ الزمر، ۳۲). افتراء کذب بر خدا، همان تعمّد در دروغ گفتن است.

دانشمندان اهل لغت واژه افتری را استعاره بر دروغ گویی همراه با عمد می‌دانند (طریحی، ۳۲۹/۱؛ ابن فارس، ۴۹۷/۴؛ ابن منظور، ۱۵۴/۱۵؛ ازهری، ۱۷۵/۱؛ مرتضی زبیدی، ۴۵/۲).

سوالی که در اینجا شایسته طرح است، این است که آیا دروغ بستن بر پیامبر خدا، بالاتر از دروغ بستن بر خود خداوند متعال است؟ وقتی خداوند حکیم، دروغ بر خود را با قید تعمّد (افتری) ذکر می‌کند، هیچ محذور عقلی ندارد که فرستاد او نیز، کذب بر خود را مقید به عمد کند. بنابراین، قید زیاده، مورد تأیید کتاب خدا است.

سنت پیامبر اسلام ﷺ نیز مؤید اصالت داشتن این قید است.

عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ: مَرَّ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا، وَخُنْ نَتَحَدَّثُ فَقَالَ: «مَا

تَحَدِّثُونَ؟» فَقُلْنَا: مَا سَمِعْنَا مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «تَحَدَّثُوا وَلِيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مِنْ جَهَنَّمَ» وَمَضَى لِحَاجَّتِهِ، وَسَكَتَ الْقَوْمُ، فَقَالَ: «مَا شَأْنُهُمْ لَا يَتَحَدَّثُونَ؟» قَالُوا: لِلَّذِي سَمِعْنَاهُ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِنِّي لَمْ أَرِدْ ذَلِكَ، إِنَّمَا أَرَدْتُ مَنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ» فَتَحَدَّثْنَا؛

رافع بن خدیج می‌گوید: روزی با جمعی از صحابه در حال گفتگو بودیم که پیامبر اسلام ﷺ بر ما گذرد کرد و فرمود: درباره چه چیزی گفتگو می‌کنید؟ گفتیم: ای رسول خدا درباره احادیثی که از شما شنیده‌ایم.

فرمود: گفتگو کنید ولی بدانید که هرکس بر من دروغ ببندد، جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود. سپس پیامبر رفت، آن گروه بخاطر سخن پیامبر سکوت اختیار کردند. پیامبر در حال بازگشت وقتی مشاهده کرد ساکت هستیم و گفتگو نمی‌کنیم، فرمود: علت چیست؟ چرا گفتگو نمی‌کنید؟

گفتیم: ای رسول خدا به خاطر سخنی است که از شما شنیدیم (من کذب علی...)، پیامبر فرمود: «انی لم ارد ذلک، انما اردت من تعمد ذلک». آنچه شما گمان برده‌اید، مقصود من نبوده است، بلکه مراد من کسی بود که به عمد بر من دروغ بندد، پس ما به گفتگو ادامه داده و به نقل احادیث پرداختیم. (رامهرمزی، ۳۶۹؛ خطیب بغدادی، ۷۳؛ ابن عساکر، ۲۰۴/۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۷/۲۹)

مطابق عقل خدا دادی بشر، عقاب انسان فراموشکار یا مخطئی بر عملی که قصد و عمدی در آن ندارد، از خداوند حکیم قبیح است، لذا حکمت و عدالت خداوند تبارک و تعالی اقتضا می‌کند که عقاب بر افعال مکلفین، مقید به قصد و اراده باشد. بنابراین قید «متعمداً» از منظر عقل مستقل، صرف نظر از حکم شروع نیز، محذوریتی ندارد، بلکه وجود آن ضروری است؛ بنابراین قید زیاده مورد تأیید قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و هیچ محذور عقلی نیز ندارد.

۳-۴. حقیقت کذب

ابوریه معتقد است که کذب، خبر دادن برخلاف واقع است اعم از اینکه عمدی یا سهوی باشد.

در تعریف و تبیین حقیقت کذب، بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

جرجانی معتقد است کذب، عدم مطابقت خبر با واقع است (جرجانی، ۷۹/۱). جاحظ معتقد است کذب، اخبار بر خلاف اعتقاد مخبر است (جاحظ، ۳۲). اما نظام، مخالفت اخبار با واقع و اعتقاد مخبر، هر دو را شرط می‌داند (تفتازانی، ۳۹). جمهور دانشمندان، اخبار بر خلاف واقع را کذب می‌دانند (زرکشی، ۸۱/۶؛ شنیطی، ۳۴؛ ابن‌إمام الکاملیة، ۲۵۳/۴). اما متبادر از این جمله که فلانی دروغ گفت یا دروغگو است، تعدد داشتن آن شخص است بنابراین به شخص مخطئ، دروغگو گفته نمی‌شود (معلمی، ۹۹).

طحاوی معتقد است، ذکر قید متعمداً در برخی از روایات، صرفاً برای تأکید آمده است، مثل سخنان برخی از مردم که می‌گویند: با چشم‌هایم دیدم، با گوش‌هایم شنیدم، در غیر این صورت نیازی به ذکر آن نیست. در قرآن نیز درباره سارق (مائده، ۳۸) و زانی (نور، ۲)، قید عمد را ذکر نکرده است، چون بدیهی است که این امور بدون قصد و تعدد رخ نمی‌دهد (طحاوی، ۳۶۹/۱).

بنابراین متبادر از حدیث من کذب علی، تعدد داشتن است و لزومی به ذکر قید زیاده نیست، جز برای تأکید.

ع-۴. انگیزه راویان

بیان ابوریه از ملازمه بین حسبه و غیر تعدد در انگیزه راویان حدیث، صحیح نیست. چگونه ممکن است جعل به قصد قربت با تعدد نداشتن، جمع شود؟ در تاریخ عده‌ای ساده لوح جاهل مثل فرقه صوفیه و کرامیه به قصد خشنودی خدا و خدمت به دین اسلام، عامدانه، احادیثی جعل می‌کردند اما عمل این عده، به صراحت کلام خودشان با قصد و عمد همراه بوده است. بنابراین، تفسیر حسبه و قصد قربت در انگیزه راویان، به غیر عمد، تفسیری بدون دلیل و غیرقابل قبول است.

تحلیلی که ابوریه از انگیزه جعل جاعلان یا درج راویان در قید متعمداً ارائه می‌دهد، نیز

نادرست است، چون روایان در نقل روایت برای در امان ماندن از گناه خطا یا فراموشی، نیازی به این قید ندارند، کتاب خدا، سنت پیامبر و اجماع علما، گناهی را متوجه مخطئ یا ناسی نمی‌دانند تا برای رفع آن، قیدی را به روایت اضافه کنند (معلّی، ۵۳).

همچنین خدا در قرآن با صراحت بین خطا و عمد تفاوت می‌گذارد (الاحزاب، ۵) و همچنین عذر مکره را می‌پذیرد (النحل، ۱۰۶) بنابراین به طریق اولی باید عذر مخطئ که تعمدی ندارد نیز پذیرفته شود.

البته کلمه «علی» در طول تاریخ، دستاویز عده‌ای جاهل و گمراه قرار گرفته است. آنان احادیثی جعل می‌کردند و در پاسخ اعتراض معترضان می‌گفتند ما بر علیه پیامبر دروغ دروغ نمی‌بندیم بلکه به نفع او و دینش دروغ می‌سازیم (سیوطی، ۳۳۴/۱). اگر ابوریه در این مسئله در کلمه «علی» مناقشه می‌کرد، منطقی و قابل توجیه بود تا در قید «متعمدا» که بعد از ادله‌ای که از قرآن، سنت و عقل ارائه شد، جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند.

۴-۵. روایت زبیر بن عوام

بهترین دلیلی که ابوریه به زعم خود بر مدعای خویش اقامه کرده، روایت زبیر بن عوام است. ایشان معتقد است، حدیث زبیر بدون قید «متعمداً» از او نقل شده است. زبیر نیز، علت کمی نقل حدیث از پیامبر را همین روایت ذکر کرده است و در ادامه حدیث متذکر شده است که من از پیامبر قید «متعمدا» را نشنیده‌ام.

قابل توجه است که این روایت از طریقه شعبه بن حجاج، گاهی با قید «متعمداً» و گاهی بدون این قید، نقل شده است.

همچنین عبدالله ابن مبارک از محدثان و فقهای بزرگ و مورد اعتماد اهل سنت، معتقد است وقتی در روایات منقول از شعبه اختلاف رخ دهد، کتاب غندر حکم و فصل الخطاب است. چون او، کتاب خود را بر شعبه عرضه کرده و او نیز کتاب را تایید کرده است (ذهبی،

۵۰۲/۳). از طرفی دیگر احمد بن حنبل در مسند خود، ابوبکر بن اُبی شیبۀ و محمد بن بشار بنادر، این روایت را از محمد بن جعفر غندر، با قید «متعمدا» ذکر کرده‌اند. اضافه‌ای هم که در برخی نسخه‌های حدیث ذکر شده بود (والله ما قال متعمدا، و انتم تقولون متعمدا...)، ظاهراً سخن وهب بن جریر، راوی زبیر بن عوام است و ادامه کلام خود زبیر نیست.

بر فرض ما این قید زیاده را از زبیر قبول کنیم، خود همین روایت، اثبات می‌کند که قید «متعمداً» فی الجمله از نبی اکرم ﷺ صادر شده است، چون زبیر از اصحاب دیگر می‌شنیده است که این روایت را با قید «متعمداً» نقل می‌کردند ولی خودش حدیث مذکور را بدون این قید استماع کرده بود، لذا گفته است من این قید را نشنیده‌ام، اما این منافاتی ندارد که پیامبر اسلام ﷺ گاهی برای تاکید قید متعمداً را ذکر می‌کردند و گاهی به خاطر وضوح مقصود بودن آن، حدیث را بدون قید ذکر می‌کردند. (معلمی، ۹۷)

۴-۶. بررسی قید متعمدا در طرق حدیث من کذب علی متعمدا

براساس کتاب طرق حدیث «من کذب علی متعمدا» طبرانی، جدولی پیوست مقاله قرار دادیم که وضعیت قید «متعمداً» در روایات منقول از اصحاب پیامبر اسلام ﷺ را روشن می‌کند (نک: طبرانی، ۲۷-۱۷۴). در این جدول علاوه بر قید «متعمداً»، قیود دیگری که مترادف آن هستند؛ (مثل فری، افتری، يعلم أنه کذب...) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه بحث، تحلیل مختصری از جدول تهیه شده از طرق حدیث مزبور، ذکر خواهد شد.

۱. قید «متعمداً» با ۱۳۲ طریق از ۴۶ صحابه نقل شده است.

۲. قید متعمدا و همچنین تعابیر مترادف آن (فری و افتری و یری أنه کذب و...)، در مجموع با ۱۴۶ طریق از ۴۸ صحابه نقل شده است که به عبارت دیگر ۸۰ درصد صحابه‌ای که این حدیث را نقل کردند، این قید را نیز به صورت متواتر ذکر کرده‌اند.

۳. برخلاف ادعای ابوریه، این قید در طرق منقول از خلفای ثلاثه، حضرت علی، خلیفه

اول، دوم و صحابی جلیل القدری مثل عبدالله بن مسعود، انس ابن مالک، ابن مسعود، زبیر بن عوام، ابوهریره و عائشه و... ذکر شده است.

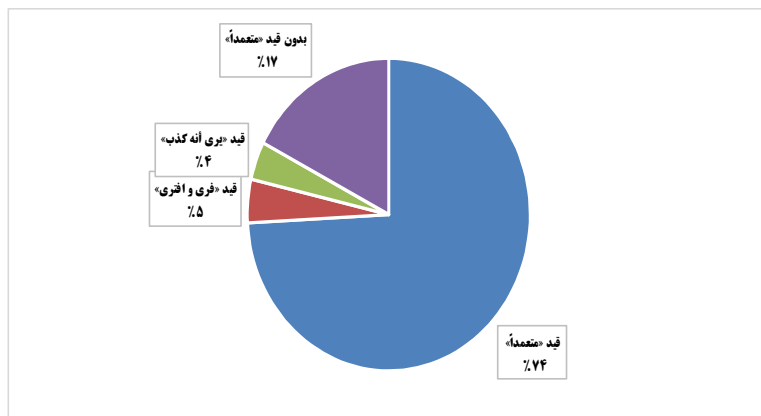
۴. علی رغم مناقشه‌ای که ابوریه درباره شخصیت ابوهریره دارند و نسبت جعل حدیث به او می‌دهند، ۷ طریق از ۱۲ منقول از ایشان، با قید «متعمداً» و ۵ طریق آن، بدون قید زیاده، نقل است.

۵. در طرق منقول از برخی صحابه، این قید، به طور مستفیض یا حتی به حدّ تواتر، نقل شده است، مثل: انس بن مالک با ۲۵، عبدالله بن با ۱۴ و حضرت علی علیه السلام با ۱۳ طریق، از آنان نقل شده است.

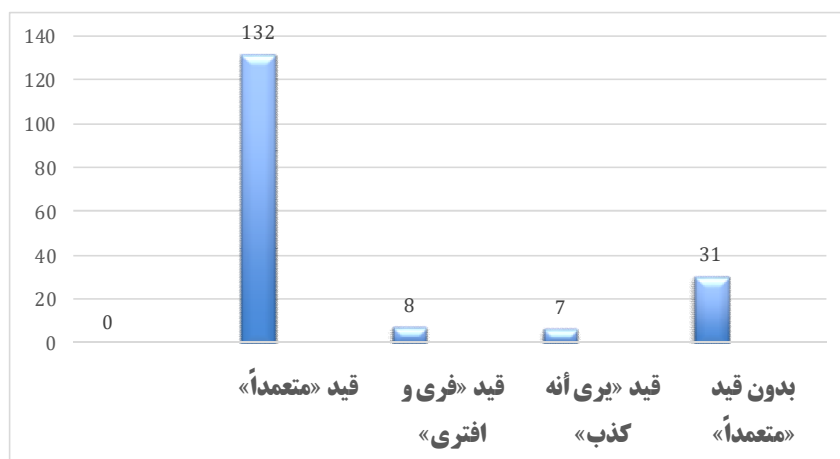
۶. این حدیث، از برخی اصحاب فقط با قید «متعمداً» نقل شده است، مثل: انس بن مالک، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله.

بنابراین ادعای افزوده بودن قید «متعمداً» از ناحیه جاعلان یا درج راویان، قابل پذیرش نیست؛ بلکه این قید، تواتر لفظی دارد؛ همانطور که شماری از علمای شیعه و اهل سنت بدان تصریح کرده‌اند. (ابوشهبه، ۵۲؛ شهید ثانی، ۶۸؛ فضلی، ۱۱۱)

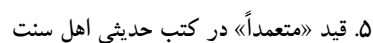
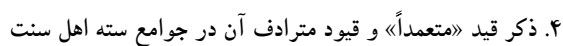
ع-۶-۱. نمودارهای طرق حدیث من کذب علی متعمداً



۱. درصد قید «متعمداً» و قیود مترادف آن در طرق حدیث من کذب علی متعمداً



۲. تعداد قید «متعمداً» و قیود مترادف آن در طرق حدیث من کذب علی متعمداً



نتایج مقاله

۱. قید «متعمداً» به صورت متواتر از صحابه پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است.
۲. قید مذکور در کتب معتبر اهل سنت از جمله صحیحین، سنن ابی داوود، سنن ابن ماجه و سنن ترمذی ذکر شده است.
۳. این قید مورد تأیید قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ است و هیچ محذور عقلی نیز ندارد، و شواهد ارائه شده توسط ابوریه، ناتوان از اثبات جعل یا درج برای قید زیاده است.
۴. قید «متعمداً» صرفاً برای تأکید آمده است؛ چون متبادر از جمله «کذب فلان» تعمّد در دروغ‌گویی است.
۵. عکس ادعای ابوریه در حدیث مزبور، قابل طرح است: قید متعمداً از احادیث نبوی، سَقَط شده است تا مردم در نقل حدیث از پیامبر اسلام ﷺ اهتمام و رغبت نکنند تا جریان ممنوعیت نگارش و نقل حدیث همچنان پابرجا و مستحکم در جامعه برقرار باشد؛ وقتی اکثر طُرُق «حدیث من کذب علی» با قید «متعمداً» نقل شده است، این تأکید بر تعمد و رفع گناه غیرعمد، موجب کثرت نقل احادیث نبوی می‌شد. بنابراین حساسیت عده‌ای از محدثان اهل سنت مثل وهب بن جریر را بر انگیخت و شروع به مخالفت با این قید زیاده کردند تا منجر به سَقَط این قید شد، عده‌ای از دانشمندان معاصر مثل ابوریه هم برای تأیید و توجیه جریان تاریخی ممنوعیت نقل و نگارش حدیث از پیامبر اسلام ﷺ، قید مذکور را مورد انکار قرار دادند تا جریان ممنوعیت نقل و نگارش حدیث در قرون اولیه اسلامی، پابرجا و موجه، جلوه گردد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم، مسند إسحاق بن راهویه، مدینه، مكتبة الإيمان، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة دار الفكر، ۱۳۹۹ق.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة النشر و التوزیع، بی تا.
۹. همو، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، دمشق، دار الفكر للطباعة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۰. ابن وهب، عبدالله بن وهب، موطأ ابن وهب الصغیر، مدینه، مكتبة جامع العلوم و الحكم، ۱۴۳۲ق.
۱۱. ابوری، محمود، اضواء علی السنّه المحمدیه، بی تا.
۱۲. همو، شیخ المظیرہ ابوهریره، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۳. ابوشهبه، محمد بن محمد، دفاع عن السنه، قاهره، مكتبة السنه، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ازهری، محمد بن محمد، تهذیب اللغة. بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۵. البانی، محمد ناصرالدین، تصحیح حدیث إفتار الصائم قبل سفره بعد الفجر، مكتبة المعارف، ۱۴۲۱ق.
۱۶. بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، بیروت، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۷. بزاز، احمد بن عمر، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، مدینه: مكتبة العلوم و الحكم، ۲۰۰۹م.
۱۸. بهابادی، سیدمحمد اخوان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تبیین و تطبیق مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب «اضواء علی السنه المحمدیه» و «الانوار الکاشفه»، دانشگاه قم، ۱۳۹۲ش.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۲۰. تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، مكتبة الداوری، بی تا.
۲۱. جاحظ، عمرو بن بحر، تهذیب الاخلاق، دارالصحابه للتراث، ۱۴۱۰.
۲۲. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.
۲۳. حمزه، محمد بن عبدالرزاق، ظلمات ابی ریه امام اضواء السنه المحمدیه، المطبعة السلفیه و مکتبتها، قاهره، ۱۳۷۸ق.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تقييد العلم للخطيب البغدادي، بیروت، إحياء السنه النبویه، بی تا.
۲۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسند الدارمی المعروف بـ «سنن الدارمی»، دار المغنی للنشر و التوزیع، ۱۴۱۲ق.
۲۶. ذهبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، ۱۳۸۲ق.
۲۷. رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن، المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۴ق.
۲۸. روشن ضمیر، محمد ابراهیم، حجیت سنت از دیدگاه محمود ابوری، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۲۹. زرکشی، محمد بن عبدالله، البحر المحيط فی أصول الفقه، دارالکتبی، ۱۴۱۴ق.
۳۰. سلطانی، اختر، بررسی مبانی فکری و آراء ابوری در زمینه حدیث، فصلنامه پژوهش های اعتقادی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹۶ش.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدريب الراوی فی شرح تقریب النواوی، دارطیبه، بی تا.
۳۳. شنقیطی، احمد بن محمود، خبر الواحد وحجیته، مدینه، عماده البحث العلمی بالجامعة الإسلامیه، ۱۴۲۲ق.

۳۴. شیخ احمد، محمد رشید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نقد و تحلیل بخشی السنه کتاب أضواء علی الله المحمدية، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۱ش.
۳۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، طرق حدیث «من کذب علی متعمدا»، تحقیق علی حسن علی عبدالحمید و هشام بن اسماعیل السقا، المکتب الاسلامی و دارعمار، بی‌تا.
۳۶. همو. طرق حدیث «من کذب علی متعمدا». ۳۷. بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۸. طحاوی، احمد بن محمد. شرح مشکل الآثار، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ق.
۳۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۴۰. طیالسی، سلیمان بن داوود، مسند أبی داود الطیالسی، قاهره، دارهجر، ۱۴۱۹ق.
۴۱. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۳۲ق.
۴۲. قشیری نیشابوری، محمد بن مسلم، صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.
۴۳. العاملی، زین‌الدین معروف به شهید ثانی، الرعايه فی علم الدرايه، قم، مکتبه آیة‌الله المرعشی العامه، ۱۴۰۸ق.
۴۴. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴۵. معلّی، عبدالرحمن بن یحیی، الانوار الکاشفه، دارعالم الفوائد، ۱۴۳۴ق.
۴۶. نقی‌زاده، حسن، تأملی در حدیث «من کذب علی متعمدا»، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهلّم، شماره پیاپی ۸۱/۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.

